کار برای زندگی Work for living.com

ویژه نامه

شماره دوم– نیمه دوم دی۱۳۹۳



زندگینامه جیم کری

۱۵ درس از زندگی جیم کری

جیم کری

جیمز یوجین "جیم" کری (زاده ۱۷ ژانویه ۱۹۶۲) هنرپیشه و کمدین کانادایی–آمریکایی است . وی تاکنون ۲ بار برنده جایزه گلدن گلوب برای فیلم‌های نمایش ترومن و مرد روی ماه شده‌است .

جیم کری آخرین بچه خانواده ۶ نفره اش بود

وی از کودکی علاقه شدیدی به بازیگری داشت و به همین جهت همیشه سعی می کرد تا در اذعان عمومی به اجرای نمایش بپردازد و حتی برای دوستانش نمایش خصوصی بگذارد! . اما این روحیه شاد او با سفر خانواده اش به شهری در حومه تورنتوی کانادا تا حدود زیادی به یأس تبدیل شد چراکه در آن شهر او می بایست بعد از مدرسه به مدت ۸ ساعت در یک کارخانه به نگهبانی، سرایداری و تمیز کردن توالتها بپردازد .

جالب است بدانید که وی دارای مدرك دیپلم دبیرستان نیز نمیباشد چرا که وی در سن ۱۵ سالگی از دبیرستان ترك تحصیل کردکار می کرد . کار در کارخانه اگرچه باعث افت شدید تحصیلی و روحی او شده بود اما او تمام تلاش خود را می کرد تا از حداقل زمان خود برای یادگیری بازیگری استفاده کند.

بعداز مدتی وضعیت خانواده کری مقداری خوب شد و دیگر لازم نبود جیم مدت زمان زیادی را در کارخانه سپری کند . این موقعیت فرصتی شد تا او به علاقه ی همیشگی اش یعنی بازیگری ادامه دهد . جیم در سال ۱۹۷۹ بعد از اینکه رادنی دنجرفلید را ملاقات کرد ، با سماجت تمام او را متقاعد کرد که او یک کمدین با استعداد است و دنجرفیلد هم تصمیم گرفت تا نام او را برای تست هنرپیشگی یادداشت کند . این آشنایی سبب شد تا جیم در تعدادی از فیلمهای نه چندان مطرح به ایفای نقش بپردازد .

آغاز فعالیت

با کمک پدرش رزومه کاری خود را به کارلا بورنت فرستاد.

سریال In Living Color در سال ۱۹۹۰بود که توانست نام او را به عنوان یک کمدین بر سر زبانها بیندازد. با این حال شخصیت کامل کمدی جیم در فیلم کارگاه حیوانات (۱۹۹۴) شکل گرفت ، فیلمی که وی در تمام مدت زمان آن با خود حرف می زد و کارهای احمقانه انجام می داد! . بعد از بازی در کارگاه حیوانات نوبت به ماسک بودکه سکوی پرتاب جیم به جایگاهی دست نیافتنی باشد . ماسک تبدیل به موفق ترین فیلم جیم کری شد و سبب شد او از این پس در هالیوود جدی گرفته شود و همینطور اولین بازیگری شود که ۲۰ میلیون دلار دستمزد می گیرد!

سال 94 را باید سال جیم کری خواند . اکران همزمان سه فیلم کمدی که در گیشه به موفقیتهای فراوانی رسیدند نشانه خوبی برای یک ورود ستاره بود . ابتدا بازی در ایش ونچورا، کاراگاه حیوانات ،سپس ماسک و بعد هم احمق و احمق تر او را به شهرتی باور نکردنی رساند تا جایی که وقتی برای قراردادهای بعدی اش مبلغ بیست میلیون دلار را درخواست کرد ، سیلوراستالونه به کارگزارش تلفن کرد و به او اطلاع داد که رکوردی نجومی در دستمزدها به جای گذاشته و او هم همچین مبلغی را می خواهد . در حالی که پیش از این جیم صرفا به خاطر مبالغ نا چیزی به بازی می پراخت .

جیم کری، کارهای خنده دار بسیاری را به طور ذاتی از خودش بروز میدهد و به غیر از صفتهای گفته شده، به خودخواهی، کله خرابی و احساساتی بودن هم معروف است و شما میتوانید دورن او ذره ای از هر کدام از این صفتها را به مقدار کم و زیاد پیدا کنید .

جالب است بدانید این شخصیت جذاب و خندان بارها به بیماری افسردگی دچار گردیده و تا چندی پیش به مصرف قرصهای ضد افسردگی اعتیاد داشته است .

جیم کری و افسردگی

او در پاسخ به این سوال که : چه چیزی کمک کرد که استعداد تو کشف شود؟

می گوید : افسردگی! من مادری مریض و بیمار داشتم. میخواستم مادرم حال بهتری داشته باشد. اوایل فکر میکردم اگر استراحت کند و یک مشت قرص و دارو بخورد حالش خوب می شود، گاهی برایش دعا میکردم، گاهی از در و دیوار آویزان می شدم تا او بخندد و حالش بهتر شود اما همه مشکل زندگی ام بیماری مادرم نبود. پدرم که نوازنده ساکسیفون بود کارش را در ۵۱ سالگی از دست داد و همه زندگی ما تحت تاثیر بیکاری و بی پولی پدرم قرار گرفت. ۱۵ ساله بودم که مدرسه را ترک کردم و من و خانواده ام در معرض تجربه های تازه قرار گرفتیم: فقر و بیچارگی!

درس و مدرسه را در ۱۵ سالگی ترک کردم و همه برای گذراندن زندگی کاری پیدا کردیم. بیشتر اهالی خانه مان در گارد امنیتی کار پیدا کردند و من از این موضوع خیلی عصبانی بودم و بیشتر از همه از دنیا عصبانی بودم؛ دنیایی که کار پدرم را از او گرفته و ما را به این وضع انداخته بود. آنقدر حالم بد بود که دلم میخواست سر یک نفر را به دیوار بکوبم!

اما چه شد که جیم کری از آن همه درد و بدبختی و غم رها شد و تبدیل به کسی شد که با فیلمها و بازی هایش صدها هزار نفر را دور تا دور دنیا می خنداند؟

پاسخ او این است : هر آدمی برای انجام هر کاری نیاز به انگیزه دارد و من فکر نمی کنم هیچ آدمی بتواند بدون داشتن اندکی افسردگی بفهمد که چه می خواهد. به نظر من، افسردگی یک جزء لازم برای فهم و درک زندگی و ساختن آن است. اگر شما دچار این افسردگی نباشید، نمی توانید هیجان را هم درک کنید.

جیم کری درباره گذشتن از افسردگی میگوید : راستش من فقط به خودم میگفتم همه چیز خوب است! البته مدتی هم قرص مصرف کردم و مدتی هم تحمل کردم. من زندگی سالمی دارم. تنها نوشیدنی ای که میخورم قهوه است و خیلی جدی با نوشیدنیهای الکی مخالفم. اهل هیچ موادی نیستم و فکر میکنم، زندگی به خودی خودش، خیلی زیبا است و یقین دارم که معجزه اتفاق میافتد؛ حتی اگر شما به آن معتقد نباشید!«

به گذشته و آینده هر دورا کنار زده و زندگی در »حال« را انتخاب کرده است.

او در ۱۷سالگی دچار این حالت شد؛ زمانی که سعی میکرد تا هم خودش و هم خانواده اش را حمایت کند و در کلوپ کمدی تورنتو کار کند. او در ۲۱سالگی اولین تجربه بازی را در "نمایش امشب" به اجرا گذاشت؛

بازی ای که درخشان، خیره کننده و موفقیت آمیز بود اما کری نمیخواست یک چهره مشهور باشد. نمیخواست سرمشق و الگوی دیگران باشد :

من می توانستم ۲هزار نفر را در کار خودم پایین بکشم اما نمی خواستم به دنیا بگویم من از آنها برترم، بلکه به نظر خودم همه آنها از من جذابتر و بامزه تر بودند!

کری تا به امروز ۲۸فیلم بازی کرده و میلیونها دلار پول به دست آورده، جایزه اول گلدن گلاب را برده اما هنوز در حال گذراندن کلاسهای بازیگری است و می گوید هدفش لذت بردن مردم از بازی های جدید او است.

جیم کری صاحب یک هواپیمای شخصی است
که حدود 25 میلیون دلار
قیمت دارد!

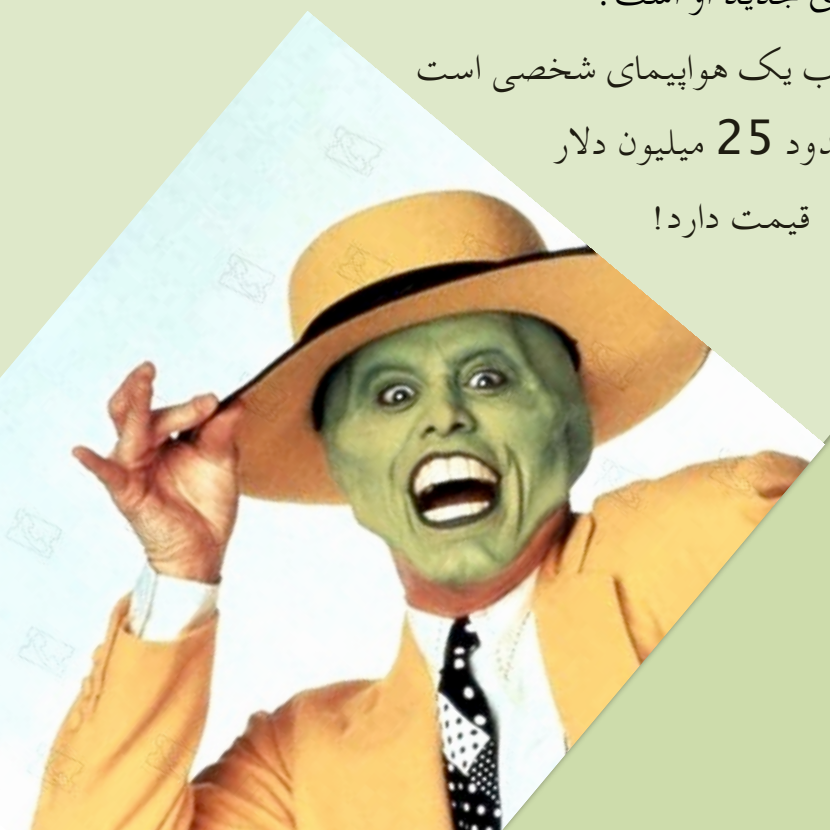



دیدگاه جیم کری در مورد زندگی

او موفق‌ترین کمدین ۲۰ ساله اخیر سینماست ، با ثروت و شهرت مثل زدنی
در حالی که می‌توانست تنها یک کمدین خیابانی ساده با درامد ناچیز باشد

در زندگی قله های بسیاری وجود دارد و دره های بسیاری. خیلی از آنها میتوانند تو را لت و پار کنند و این شروع مرحله نا امیدی است؛ مثلا وقتی نمیتوانی جوابی برای سوالهایت از کائنات پیدا کنی. اما تو میتوانی بخندی چون سالمی. من هم توی این مرحله قرار گرفتم؛ مثل همان وقتی که مادرم مریض بود و پدرم کارش را از دست داده بود. اما از آن گذشتم. ولی خیلی ها در همان ناامیدی میمانند برای سالها و سالها و گاهی برای همیشه

یاد گرفته‌ام از چیزهای خوب و درست مراقبت کنم

همیشه سعی کرده‌ام خودم را درگیر طرح‌ها و چیزهای متفاوت کنم، زیرا احساس می‌کنم با نکات عجیب و غریب و ناآشنایی روبه‌رو می‌شوم که مثل یک بچه از کشف آنها لذت می‌برم.

من اکنون لحظات خوبی را می‌گذرانم و واقعا جایگاه خوبی در زندگی دارم. من هنوز هم آن حالت کودکانه را در کارهایم دارم و این بزرگ‌ترین هدیه زندگی به من است.

زندگی از نظر من به همین دلیل، زیبا است

من فکر می‌کنم این پروژه‌ها هستند که من را پیدا می‌کنند. هر پروژه کاری که تا به حال انجام داده‌ام همیشه در وقت مناسب به من پیشنهاد شده است.

جالب است بدانید مبارزه من با استرس موجب شده در نقش کمدی خوب ظاهر شوم چرا که معتقدم اشخاص برای انجام هر کاری نیاز به انگیزه دارند

جیم کری یکی از چهره های سرشناسی است که برای کودکان کتاب نوشت. او ماه گذشته از کتابش با عنوان How Roland Rolls / چگونه رولند می‌غلتد رونمایی کرد.

داستان درباره موجی است که پی می‌برد همه چیز به هم مرتبط است. جیم کری این کتاب را به نوه سه ساله‌اش جکسن تقدیم کرده است.

او در گفت و گویی با خبرنگار یو.اس.ای تودی گفت: »وقتی بچه بودم، پدر و مادرم سیگار می‌کشیدند و من ترس عمیقی از مردن آنها داشتم.... فکر می‌کنم این ترس عمومی تمام کودکان است... ترس از دست دادن.

او گفت که پدرش می توانست یک کمدین باشد اما به خاطر اینکه به دنبال شغلی ثابت می گشت تصمیم گرفت تا تبدیل به یک حسابدار شود. پدر کری بعدها شغلش را از دست داد، که این موضوع به کری درسی مهم داد. او گفت: من درس های بسیاری از پدرم یاد گرفتم، اما یکی از مهم ترین آن ها این بود که اگر چیزی را نخواهید امکانش بسیار زیاد است که در آن شکست بخورید، پس بهتر است به کاری که به آن عشق می‌ورزید بپردازید.

هر کس نقطه تاریکی در زندگی خود دارد و من هم از این قاعده مستثنا نیستم اما امروز دیدگاه متفاوتی نسبت به قبل دارم. من بر این باورم که دور کردن احساسات منفی از خود بسیار بهتر از مصرف داروها است.

من پی برده‌ام که ما باید احساسات‌مان را بروز دهیم. این مهم‌ترین مساله در جامعه امروز است. هیچ اشکالی ندارد که بعضی مواقع به فرزندمان بگوییم که پدرت می‌خواهد گریه کند! من باور دارم که هیچ اشکالی ندارد که بعضی مواقع از دست کسی عصبانی شویم.

هیچ دیدگاه خاصی نسبت به خودم ندارم. من از یک کار به سراغ یک کار دیگر می‌روم. تلاشم این است که کار کنم و در این کارها چیزهای بامزه و بامکی خلق کنم. هدفم این است که با آنچه پیش رویم است شوخی کنم و به این ترتیب تماشاچی را به خنده بیندازم. هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوم، درباره خودم فکر می‌کنم و القاب زیادی به خودم می‌دهم. نسبت به خودم و کارم منتقد سختگیری هستم. هر بار که وارد محل فیلمبرداری یا مکان تازه‌ای می‌شوم، به خودم می‌گویم باید سعی کنم تمام آدم‌هایی را که دوروبرم هستند شاد کنم تا از اوقات خود لذت ببرند. این مهم‌ترین کاری است که در چنین لحظاتی انجام می‌دهم. این تلاش همیشگی‌ام است و روش زندگی‌ام چنین است. پس کارهایی هم که انجام دهم در همین ارتباط است. به همین دلیل است که واقعا به چیزهایی مثل نماد کمدین‌ها بودن فکر نمی‌کنم. من فقط سعی می‌کنم کارم را درست انجام دهم و خودم و دیگران را شاد کنم. همیشه امیدم این است که بتوانم این کار را به نحو احسن و به بهترین شکل ممکن به انجام برسانم.

جیم کری در زندگی شخصی اش همیشه تلاش کرده بخندد و دیگران را نیز بخنداند، یکی از چیزهایی که دوستان و اطرافیانش از آن لذت می برند این است که جیم با لحنی طنزآمیز از کودکی و خاطرات گذشته برایشان تعریف کند.

- او معتقد است به تلخ ترین و دردناک ترین خاطرات نیز باید خندید زیرا اولا گذشته است و دوما مطمئنا این خاطرات تلخ، پیامد یک حرکت و یا فکر احمقانه بوده است و هر کار احمقانه ای خنده دار است.

جیم کری در زمانی که توپاک شاکور(خواننده نامدار و تاثیرگذار موسیقی رپ بود که بیشتر با نام مستعار **توپاک** شناخته می‌شد .) در زندان بود، چندین نامه به او نوشت و به وی کمک کرد تا بخندد و شاد باشد! . شاکور گفته بود که جیم کری بازیگر مورد علاقه اش است .

من بچه کوچولوی خانواده‌مان بودم و حدس می‌زنم پدرم خیلی بانمک و در عین حال عجیب بود . به او نگاه می‌کردم و به خودم می‌گفتم همه دارند پدرم را نگاه می‌کنند و از کارهایش می‌خندند . از همان زمان می‌خواستم چیزی شبیه او باشم . برای همین زمانی که همه بچه‌ها داشتند در کوچه و خیابان بازی می‌کردند، من داخل اتاق، در را به روی خودم قفل می‌کردم و سعی داشتم کاری کنم که نسبت به دیگران متفاوت به نظر برسم

